

# نیم قرن رنج و تلاش

خاطرات مرتضی کاظمی در اعتمادیه

## فهرست

پیشگفتار: ..... ۹

**فصل اول** ..... Error! Bookmark not defined.

۱- سفرها ..... Error! Bookmark not defined.

۱-۱: اولین سفر اسفندماه ۱۳۴۹ گل و سبزه ..... Error! Bookmark not defined.

۱-۲: سفر بازدید و آموزشی به ژاپن ..... Error! Bookmark not defined.

۱-۳: اولین سفر خودم بعد از ششماه ماندن در کارخانه به شیراز... Error! Bookmark not defined.

۱-۴: سفر اهواز و استخدام کارگزار نساجی اهواز ..... Error! Bookmark not defined.

۱-۵: سفر به هندوستان جهت استخدام کارگر ..... Error! Bookmark not defined.

۱-۶: سفر چین و کره ..... Error! Bookmark not defined.

۲- حاشیه ها و ماجراهای قبل از انقلاب ..... Error! Bookmark not defined.

۲-۱: عشق و عاشقی و فرار دختر معاودعراقی با جوان کارگر و تعطیل قسمت ..... Error! Bookmark not defined.

**not defined.**

۲-۲: خرید ماشین گره زنی دستی از تهران ..... Error! Bookmark not defined.

۲-۳: سرقت از اتاق ژاپنیها و گرفتاری کارشناسان صندوق کارآموزی ..... Error! Bookmark not defined.

**defined.**

۲-۴: موتورهای ژاپنی (الاغ سواری موتور موراتا) و یا علی گفتن الکی کارگران ..... Error! Bookmark not defined.

**not defined.**

۲-۵: بیماری چشم پدر و اعزام جهت معالجه: ..... Error! Bookmark not defined.

**Error!**

۲-۶: از مشکلات دیگر روزهای شروع

**Bookmark not defined.**

۲-۷: خر رحمان و مشکل بردنش به سالنهای سوراخ شده ..... Error! Bookmark not defined.

۲-۸: یادگیری واژه های محلی ..... Error! Bookmark not defined.

۲-۹: بازدیدهای محصلین و غیره ..... Error! Bookmark not defined.

- ۲-۱۰:مجددا ژاپنیها ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۱۱:بردن کارگر زمین خورده به بیمارستان : ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۱۲:گیر افتادن انگشتان کارگر نوجوان در ماشین حلاجی ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۱۳:خاطره ها از یک عروسی ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-مشکلات کارخانه قبل از انقلاب ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۱: اولین روز کار باران وغیبت کارگرها وتعجب ژاپنی ها ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۲: اولین تجربه اداره کار واولین اخراجی دی کریم ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۳: کرد های بارزانی وغائله ۱۷۰ نفری ومشکلات آنان ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۴: گرفتاری روز های اول وسعی نگهبانان قدیمی برای جلوگیری از شروع فعالیت مجدد با طرح بحث پیرزن درچاه و زار وغیره وغش کردن کارگر آذربایجانی ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۵: بدهی ها زیاد وغیرواقعی بودن موجودیها وپشتکار مرحوم ابوی درراه سروصورت دادن به آنهاو ورود وکیل ودعوی علیه سهامداران قبل و عمارت معروف به دریابگی وشهود جوان ... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۶: سهام های بی نام وبدهکار ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۷: بدهی های دیگر قبل از شروع نوسازی ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۸: معمارومشکلات نقشه خوانی وغیره ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۹: مشکلات گرمی هوا و قطع برق وعبداله بلبل ونبودن کولر .. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۱۰: جاده خاکی وسفری که یکروزازشیراز ببوشهرطول میکشید ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۱۱: مشکلات کمبود آب واستحمام وموشهای بزرگتر از خرگوش در حمام وتوالت ..... **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۱۲: اخراج نماینده کارگر زن ومشکلات آن ..... **Error!**
- ۳-۱۳: مشکلات خاموشی ها وبست نشستن در اداره برق تا گرفتن خط اعتمادیه.. **Error! Bookmark not defined.**

۳-۱۴: درگیری با رییس سازمان آب جهت آب کارخانه ولوله کشی .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۳-۱۵: مسائل روزهای اول از جمله استعفای رانندگان.....  
**Error! Bookmark not defined.**

۳-۱۶: گریه بخاطر مهاجرت دسته جمعی وترک کار کارگران فصلی .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۳-۱۷: خودم چی فکر میکردم بقیه چی .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۳-۱۸: شب بارانی تگرگ درشت وسیلاب .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۳-۱۹: آتش سوزی قسمت ریسنده .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۳-۲۰: دیگ بخار و خطر ترکیدن .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۳-۲۱: تقلب در تولید .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴- مؤلفه های اداری قبل از انقلاب .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۱: وام بانک توسعه صنعت و معدن .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۲: مطالعه برای راه اندازی واحد قدیم و یاخرید از اروپا و یا سایر ممالک از جمله ژاپن. ....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۲: اسم نویسی از میان تعداد حدود ۱۰۰۰ نفر برای کار و انتخاب تعدادی .  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۳: برقکار .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۴: عملیات ساختمانی .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۵: شبکاری و راه اندازی شیفت شب و دردسرهای آن .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۶: نحوه پرداخت حقوق بدون پول خورد .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۷: اولین جلسه هیئت مدیره: .....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۸: مسأله با نیروی هوایی و نقشه تیمسار و کمک مهندسین شرکت تسلا و یکبار برای فیدوس آژیر

.....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۹: ترجمه قلم بقلم مدارک کارخانه چند صدبرگ در پناه پنکه سقفی و چراغ کم نور.....  
**Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۰: نصب اولین شماره تلفن وسیم و کابل کشی وتیر با کمک مهندس محلاتی. **Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۱: شروع باغ لیمو و مسائل بسیار فراوان برای حفظ آن (خرمای کیکاب ورطوبت منطقه)..... **Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۲: تعاونی مسکن کارگران ومسائل تاسیس آن و واگذاری زمین روبروی کارخانه بوسعت ۳۵۰۰۰ متر مربع به صورت رایگان ..... **Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۳:آموزش و سواد..... **Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۴: استخدام تعدادی متخصص از تهران..... **Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۵:نوار ریسنده که در گمرک روبان تزئینی شد..... **Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۶:طرح طبقه بندی اولیه..... **Error! Bookmark not defined.**

۴-۱۷:معاونت شهربانی انسان واقعی..... **Error! Bookmark not defined.**

**فصل دوم**..... **Error! Bookmark not defined.**

۱-سفرهای بعداز انقلاب..... **Error! Bookmark not defined.**

۱-۱: سفر سودان..... **Error! Bookmark not defined.**

۱-۲:خرید نخ از خارج ( سوریه )..... **Error! Bookmark not defined.**

۱-۳:سفر مالزی:..... **Error! Bookmark not defined.**

۲-جریانها و ماجراهای بعد از انقلاب..... **Error! Bookmark not defined.**

۲-۱: چک تقلبی..... **Error! Bookmark not defined.**

۲-۲:میراث فرهنگی وگرفتاری تعمیرات:..... **Error! Bookmark not defined.**

۲-۳:خودروهای شرکت وانت بار و ماجراها..... **Error! Bookmark not defined.**

۲-۴:خودرو دیگر اتومبیل بیوک مدل ۱۳۵۷ **Error!**

**Bookmark not defined.**

۲-۵:تشکیل بسیج کارگری مسلح و تیراندازی..... **Error! Bookmark not defined.**

۲-۶:رانندگی کامیون شرکت و حمل متقال به اهواز..... **Error! Bookmark not defined.**

- ۲-۷: معضل شاه خانم.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۸: گله مدیر صنایع آقای دستباز.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳- حرکتها و نمودهای اداری بعد از انقلاب.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۱: تنها تسهیلات سریع و بدون دردسر.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۲: تشکیل جلسات کمیته اشتغال :.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۳: سفر وزیر کار به بوشهر.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۴: کمک مهندس امامی معاونت سیاسی استاندار برای دریافت تسهیلات :.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۵: تقاضای مساعدت از آقای محبوب نماینده کارگران در مجلس شورای اسلامی .....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۶: ساخت مدرسه و مشکلات آن و بهانه ها و ایراد به آقای معمار خورشیدیان :.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۷: موضوع گرفتن برق از نیروگاه اتمی به دستور مرحوم رجایی :.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۸: سفر قطریها به بوشهر صحبت با مقام بازرگانی:.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴- مشکلات بعد از انقلاب.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۱: ماجرای کارکنان اهوازی.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۲: اوضاع واحد.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۳: تعطیل شرکتهای ساختمانی.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۴: فراهم کردن زمینه و اردات پارچه.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۵: رنگ کردن متقال تولیدی دادن آن به کارگران به جای حقوق.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۶: اوقاف و زمینهای تعاونی مسکن کارگران.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۷: شورای اسلامی کارگران و ادامه خواسته های عجیب.....**Error! Bookmark not defined.**
- ۴-۸: برقکار و مشکلات.....**Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined.....۴-۹:شروع جنگ تحمیلی و مشکلات عدیده آن دوره و.....

Error! Bookmark not defined.....۴-۱۰:وضعیت در بوشهر در اوایل جنگ.....

Error! Bookmark not defined.....۴-۱۱:رئیس اداره کار و تقاضای یک میلیون متر متقال.....

Error! Bookmark not defined.....۴-۱۲:رقابت منفی همکاران نساج از جمله پارچه بافی شیراز.....

Error! Bookmark not defined.....۴-۱۳:بحث استهلاک ماشینهای نساجی.....

Error! Bookmark not defined..... **فصل سوم**

Error! Bookmark not defined..... جمع آوری قسمت بافنده قدیمی.....

Error! Bookmark not defined..... مقدمات نوسازی.....

Error! Bookmark not defined..... خرید ماشینهای جدید از ایتالیا.....

Error! Bookmark not defined..... وضعیت کارگری.....

Error! Bookmark not defined..... خطری که خداوند کمک کرد از سرمان بگذرد.....

Error! Bookmark not defined..... جلسه مهم تصمیم گیری در صنایع.....

Error! ..... مشکلات چودری متخصص هندی وبی دین و بت پرست و شکایت با اداره کار و کتک کاری.....

**Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined..... بیماری خودم.....

Error! Bookmark not defined..... تفاوت مضحک بیمه بیکاری فردی و دسته جمعی.....

Error! Bookmark not defined..... نکته هاو ایرادات به طرح کمک صنایع.....

Error! Bookmark not defined..... شروع کار مظلومانه و غریبانه واحد جدید.....

Error! Bookmark not defined..... بحث تهویه مطبوع و نظرات متفاوت جهت اجرای آن.....

Error! Bookmark not defined..... علل اصلی تعطیل کارخانه.....

Error! Bookmark not defined..... اداره امور اقتصادی وقوانین آن نیز مبری نیستند.....

Error! Bookmark not defined..... شهرک صنعتی و راه اندازی واحددران.....

Error! Bookmark not defined..... **پیوست ها**





## پیشگفتار: ۶

کارخانه نخستین اعتمادیه در سال ۱۳۱۷ شمسی برابر با ۱۹۳۹ میلادی توسط مرحوم حسین ایگار (ملقب به اعتماد) تاسیس و با یک سری ماشین آلات شامل پنج هزار دوک ریسندگی و یک صد و پنجاه دستگاه ماشین بافنده همراه با دستگاههای سفید کنی و رنگرزی و چاپ شابلنی و با دوژنراتور برق به قدرت حدود دویست کیلووات و دودیک بخار در سال ۱۳۱۷ که من هنوز به دنیا نیامده بودم از انگلستان وارد و نصب می‌گردد. البته در همان زمان هم کلیه ماشین آلات قدیمی و ساخت کارخانه پلات و تولید سالهای ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۷ انگلستان یعنی حدود بیست سی سال کار کرده بودند.

کارخانه با حدود ۱۵۰۰ نفر کارگر و تعدادی متخصص و سرپرست انگلیسی در سه شیفت فعالیت خود را آغاز مینماید علاوه بر واحد نساجی، کارخانه یخساز و وانوایی را نیز در کنار آن دایر مینمایند و تا سال ۱۳۳۸ ادامه داده نهایتاً در آنسال با توجه بحران و مسائل کارگری و حزب توده و مشکلات دیگر متوقف مینمایند. با شواهد موجود (از جمله برگرداندن ۷۰٪ از بهای سهام سهامداران تحت عنوان وام؟)، اینطور بنظر میرسد که یکی از علل اصلی تعطیل کردن کارخانه اعتمادیه قدیم کمک براه اندازی و بقای پارچه بافی شیراز بوده است.

بهرحال راه اندازی چنین واحدی در آن سالها که امکانات خیلی کمتر از حتی سال ۱۳۵۰ بود با استفاده از برق خودش و تعمیرگاه و تراشکاری کلیه ملزومات برای یک واحد آنهم با ماشین آلات نیمه مستهلک واقعا قابل تقدیر و ستایش است. البته ناگفته نماند که وقوع جنگ جهانی دوم و کمبودها از جمله قماش در بازار کمک شایانی بموفقیت و بقای کارخانه در آنسالها نموده بود.

واما بعد..

من نمی‌دانم که نوشتن خاطراتم در اعتمادیه فایده و اصولاً خواننده‌ای خواهد داشت؟ و یا چقدر مفید خواهد بود؟. بهرحال بتوصیه تعدادی از دوستان و بزرگواران انجام وظیفه می‌کنم و امیدوارم بتوانم که آنرا باتمام برسانم و شایدهم مفید! واقع شود.

ممکن است این طور به نظر برسد که این یادداشت‌ها اکثراً مایوس کننده باشند؛ باید تاکید کنم که کلیه مطالب نوشته شده حقیقت داشته تازه در بعضی از موارد حقایق نیز بنا بمصلحت تعدیل شده اند بنابراین باید قبول کرد که شکست و کسب تجربه نیز قسمتی از زندگی و اشتغال است، فقط نباید زود مایوس شد

بخصوص کسانی که بخواهند فعالیت (تولیدی) را شروع کنند، باید آمادگی داشته باشند و از شکست ناامید نشوند و بقول معروف سنگ زیرین آسیاب باشند و خلاصه اینکه توجه نمایند که علی الرغم تمام مشکلات و کاستی‌ها و با حداقل امکانات و عدم نیروی انسانی مجرب و دوری از مرکز و غیره، میتوان و میشود که کارخانه نمونه‌ای را راه اندازی نموده و بهترین تولید را نیز داشته باشد. کما اینکه من با نداشتن تجربه (( تنها تجربه ام از نساجی بازدید کوتاهی بود که در طفولیت همراه مرحوم پدر از پارچه بافی شیراز داشتم که فقط سروصدای ماشین آلات کافی بود که از صنعت فرار کنم )) و باتوکل توانستم چنین واحدی را فعال نموده و از همه مهمتر ایجاد اشتغال برای حدود پانصد نفر که در صدر آرزوهایم بود، بارها هم مورد تشویق قرار گرفته و چندین بار لوح کارفرمای نمونه و تولید کننده نمونه در سطح کشور و دست آخر هم شهروند افتخاری و ماندگار را دریافت نموده و از طرف دیگر برای خرید محصولات کارخانه مشتریان زیادی در نوبت بودند؛ از جمله نساجی مازندران که مدیرعامل و هیئت مدیره آن ببوشهر آمده که قراردادی برای خرید کلیه تولید که در آن زمان بهترین متقال به شمار می‌آمد، منعقد کنند که ما با تمام محصول موافقت نکردیم، چون به قول معروف عقیده داشتیم که همه تخم مرغ‌ها را نباید در یک سبد قرار داد. البته قراردادی بسته شد فقط برای قسمتی از تولید و ترجیح دادیم که بقیه را در بازار ارائه نمائیم که اولین عرضه آن در شیراز و کارخانه آرد شبانکاره و بنرخ متری ۲۲ ریال و جهت دوختن کیسه آرد بود که البته حیف بود که چنین قماشی را صرف کیسه دوختن نمایند که البته ادامه پیدا نکرد.

قبل از هر چیز واجب می‌دانم که اشاره ای بزحمات مرحوم پدرم و کوششی که کردند بنمایم و به شرحی که بعداً توضیح خواهم داد اگر پشتکار ایشان نبود، اصلاً شرکت اعتمادیه راه اندازی نمی‌شد من اگر کاری کردم در ساختمان کارگاه و قسمت فنی و ماشین آلات و نصب بود و برای شروع راه اندازی رفع مشکلات حقوقی و مالی و اداری که چندان کم هم نبود، تمام امتیازها را باید بایشان داد که با صبر و تلاش خستگی ناپذیر تمام مسائل اولیه را حل و فصل نموده، راه را برای ادامه آماده کرده و در سخت کوشی در اینراه دشوار قسمت عمده ای از بینائی خود را از دست دادند.

و اما خاطرات :

من از بیگانگان هرگز (دیگر) ننالم که بامن هرچه کرد آن آشنا کرد

این شعر حضرت حافظ که بضر المثل تبدیل گشته در شروع کارم برای من مصداق بارز پیدا کرد و در تمام مدت فعالیتیم نیز بنحوی ادامه داشت، چون اصولاً بیگانه (غیر خویشاوند) را هرطور نیاز بود مورد سؤال و

مواخذه و توبیخ قرار میدادم ، ولی امان از موقعی که مجبور می شدم به خودی و آشنا حتی تذکری بدهم نهایتاً کار به جایی می رسید که باید عذرخواهی هم می نمودم.

من هر جا می رفتم آشنایان همه متقاضی شغل بودند، آن هم نه برای کار فنی و در کارگاه که مورد نیاز کارخانه بود، بلکه اکثراً شغل دفتری و پشت میز نشینی و مدیریت که خودم کمتر وقت می کردم از صندلی مدیریت استفاده کنم و بیشتر از من گرد و خاک روی آن می نشست؛ ولی متقاضیان همه شغل دفتری می خواستند برای افراد بی اطلاع و بی علاقه به یادگیری که مثبت گفتن باین خواسته ها برای خودم بیچارگی همراه داشت و منفی گفتن باعث ناراحتی دوستان و آشنایان و فامیل و بعضاً قطع ارتباط با آنان می گردید، مسأله دیگر چون اکثراً از خارج از بوشهر و مخصوصاً از شیراز بودند همگی متقاضی محل مناسب برای اسکان نیز بودند (در زمانی که خود ما هم هنوز محل راست و درستی برای اسکان نداشتیم و حتی خودم که تازه ازدواج کرده بودم و بالاخره می خواستم عروس را به بوشهر بیاورم جایی مناسب و حتی نیمه خصوصی نداشتیم و اجباراً باید در یک نصفه اتاق با پرده ای نه چندان مناسب با گروه جالبی هم خانه باشیم از جمله معمار، آهنکار، جوشکار، متخصصین ژاپنی کارشناس و مربیان صندوق کارآموزی ، شبها که مستر ژاپنی قصد رفتن بتوالی را داشت اجباراً از بالای سرما سوت زنان (آژیرکشان ) رد می شد و خلاصه واقعاً در مضیقه بودیم، بدتر از آن هم توقع و مطالبه خوردوخوراک با سلاقی متفاوت بودند که آن هم درد سر خودش را داشت و اکثراً از نوع آن شکایت داشتند و گله مند بودند که من این غذا را دوست ندارم یا گوشتش کم است و خواسته های زیاد دیگر و بالاخره هم بعد از مدتی بدون خداحافظی (تشکر کردن پیشکششان ) و فقط با باقی گذاشتن پیغامی که طلب ؟ ما را به فلانی بدهید بیاورد ، کار را ترک کرده و برگشته و موجبات دلخوری گروهی را از ما فراهم می کردند.

از آرزوهای من این بود که یک مرتبه هم در میان این گروه مراجعه کننده یک نفر غریبه یا آشنا باشد که چیزی بلد باشد همه در حد صفر کیلومتر در هر کاری حالا نساجی و فنی بماند.

صنعت نساجی از لحاظ اقتصادی به علت نیاز به انجام پروسه های متعدد بر روی مواد اولیه از روز اول هم مشکل داشته و قیمت های تمام شده رقابتی نبود و واردات ارزان از پاکستان (هنوز چین نبود) هم مشکل را دوچندان می کرد و به هر حال مجبور به صرفه جوئی و نداشتن تشریفات حتی در سطح مدیریت بودیم. من خودم به عنوان مدیر کارخانه رئیس هیئت مدیره مهندس برق نقشه خوان آرشیوتکت مهندس ساختمان سیم کش و ماشین نویس راننده لیفتراک و خلاصه هر شغلی که نیاز بود بقول معروف آچار فرانسه بوده والبته بدون اینکه حقوقی داشته باشم و کلاً بقول معروف صلواتی.

تشکیلات مدیریتی ما هم به دفتر کوچکی در سرای امید بازار تهران که قبلاً محل تجارت مرحوم ابوی بود و برادر دوم محمودآقا و یک نفر منشی و مأمور خرید خلاصه می‌شد. حال آنکه مثلاً نساجی مازندران یک ساختمان چند طبقه دفترشان بودالبته ما قابل مقایسه با آنها نبودیم، ولی تا حدودی نشان می‌داد که چند نفر متصدی و حقوق بگیر داشتند که اگر ما هم می‌خواستیم ده درصد آنها تشریفات داشته باشیم، تحت هیچ شرایطی امکان ادامه وجود نداشت.

گاهی اوقات هم فکر می‌کنم در کل منظومه شمسی واحدی به بد شانسی اعتمادیه نبوده و نخواهد بود؛ برای هر مورد حتی کوچک بایستی سختی فراوان متحمل می‌شدیم که به تدریج توضیح می‌دهم. بارها نیز باین فکر می‌کردم اگر ما در هر جا قطعه زمینی با قیمت تقریباً مفت آنموقع می‌خریدیم و واحد جدید را در آن تاسیس می‌کردیم بمراتب راحت تر بودیم و مشکلات راه اندازی اعتمادیه را نداشتیم .

از اولین روزهای شروع فقط عدم نیروی انسانی مجرب و مشکلات آن کافی بود که واحد توجیه وامکان ادامه و فعالیت را از دست بدهد.

بهرحال با اسم نویسی تعداد زیادی ! کارگرکار را شروع کرده ولی بتدریج با راه افتادن شرکت‌های تسا و هدیش و بالاخره نیروگاه اتمی کاربه جایی رسید که برای استخدام کارگر مجبور شدم به هندوستان سفر کنم و تعدادی کارگر از آنجا بیاورم که در ادامه شرح خواهم داد.

و اما روز کلنگ سال ۱۳۴۹

نظر باینکه در آن دوران هنوز اداره یا سازمان صنایع در بوشهر راه اندازی نشده بود و تابع اداره صنایع فارس در شیراز بودیم بعلت مسافت و مشکلات راه از آن اداره کسی حضور نداشت و جریده ای نیز در کار نبود و بوشهر هم هنوز استان نشده بود در نتیجه فرماندار بالاترین مقام بود که از وی برای کلنگ زنی دعوت بعمل آمده بود از آنروز متأسفانه عکسی و گزارشی هم ندارم .

جناب فرماندار که شخص جالبی بود و ابوی به ایشان لقب آقای دسته گل داده بودند. ، چون مقداری زودتر و با عجله آمده بود، هنوز کلنگی که برای بزمین زدن و با اکلیل رنگ شده و کاملاً خشک نشده بود به دست ایشان داده شد و دست وی را رنگی کرد که در تمام مدت مراسم نگران رنگی شدن دستش بود، بهر حال مراسم کلنگ زنی خیلی ساده برگزار گردید و مدتی بعد در روزنامه های شیراز خبر راه افتادن مجدد کارخانه اعتمادیه درج گردید که ضمیمه شده است .